

ادامه از صفحه اول

قدم‌زدن در توفان

تفسیرهای مختلف از محصولات هنری باعث تعطیلی یکی از «فرهنگی‌ترین بنگاه‌های نشر» شد، همچنین در سینما موجب بحران مهمی همچون «قطع رابطه» بین «حوزه‌هنری و ارشاد» شد، در این میان هنرمندان متحمل خسارات فراوان شدند.

زیرساخت‌ها: شاید مهم‌ترین عامل اختلافات و ناهنجاری‌ها کمبود سرمایه‌گذاری در بخش زیرساخت‌ها و اصولاً «کمبود جا» برای «همه‌کس و سلیقه» است. با یک مقایسه ساده براساس میزان سال‌ها و امکانات تولیدی و حمایتی در ایران و کشورهای همسایه همچون ترکیه و امارات-متحدہ‌عربی با قطر یا پاکستان بی به عدم تناسب تولیدات و زیرساخت‌ها با توجه به جمعیت در حل رشد می‌بریم.

ظرفیت‌های منتقله و تمدن ایران کهن و اسلام: تمامی کشورهای اطراف ما تشنه آثار هنرمندان ایرانی‌اند و این کشورها سالانه بیش از تعداد انگشت‌شمار ی تولید فیلم و تئاتر و موسیقی و… ندارند و باقی را از آثار سینمای آمریکا و اروپا و هندی تغذیه می‌کنند و سال‌هاست که ظاهراً میلی یا فرصتی برای سرمایه‌گذاری مشترک با ایران ندارند، این میل باید به یاری تجربیات شما به وجود آید.

جایگاه فرامنطقه‌ای و بین‌المللی سینمای ایران: باوجود کاستی‌هایی که اشاره شد، چرخه پرزحمت سینمای ما در میان کشورهای مهم فیلمسازی جهان قرار دارد و از نظر پشتوانه هنری از جایگاهی محترم و قابل‌اعتنا در میان کشورهای همچون آلمان و آمریکا و ژاپن و انگلستان و فرانسه و… برخوردار است. سال‌هاست که به مدد نگاه ویژه سینماگران ایرانی به جهان، بسیاری از فیلم‌ها یا داستان‌ها و آثار تجسمی ایرانی شناخته‌شده‌اند، به‌عنوان مثال می‌توان به تأثیر آثار نویسندگان و هنرمندانی همچون آغداشلو، دولت‌آبادی، تناولی، کیارستمی، تقوایی، پناهی، بنی‌اعتماد و فرهادی و… اشاره کرد که در بسیاری از کشورهای موسوم به جهان اول، جزو لوازم فرهنگی و کمک‌آموزشی مدارس یا دانشگاه‌ها شده‌اند و مردم دنیا در طی دوران تربیت خود از آثار هنرمندان معاصر ایرانی تربیت و تأثیر بلاواسطه می‌گیرند هنرمندانی که متأسفانه در سرزمین مادری خود به‌جای تشویق و احترام از سوی بعضی‌ها گاه مورد افترا قرار گرفتند. **سینمای ایران و امنیت ملی، منطقه‌ای و جهانی:**خاطره تلخ بازداشت فیلمسازان ایرانی طی سال‌های اخیر که در نهایت به تیره و رفغ اتهام‌ها،تجلید، نهن‌تها کمکی به حل مسایل به ظاهر مغایر با امنیت‌ملی نکرد بلکه نگرش سیاسی به سینمای ما را در غرب تقویت کرد و حاصلش به ضرر سرمایه‌های دولتی و نیمه‌دولتی مدیریت سینمای ایران شد و برگزاری هفته‌های فیلم با هزینه‌های سنگین و به شکلی غیراصولی که مبتنی بر اجاره سال نمایش در فصل‌های کبوتروقت، سفرها و کاروان‌کشی‌ها به جشنواره‌های گران و پرمطراق هم دردی در حسرت سینمای دولتی برده‌ی دیدمشدن نادرک و ادعای حمایت از حضور بین‌المللی سینمای ایران تنها در حد واژه‌ها باقی ماند. بگذریم… درباره میزان تأثیر هنر معاصر ایرانی باید یادآوری کنم که دیپلمات‌های برجسته ایرانی بارها و بارها به تائیر سینماگران بزرگمان و سینمای انسانی‌مان برای عبور از چالش‌های سیاسی اقرار کرده‌اند. تا جایی که پس از یازدهم سپتامبر و لوج تهدیدهای دارودسته «بیوش»، روزنامه‌نگار آمریکایی یکی از دلایل عدم جسارت نئوکارهای در حمله به

ایران را «سینمای بهشت تأثیرگذار و انسانی‌اش که هواداران بسیاری در نخبه‌های جهان دارد» برشمرد و مقاله‌اش را با این پرسش ادامه داد که اگر عراق یا افغانستان، سینمایی به قدرت سینمای ایران داشتند، بوش می‌توانست یک‌شنبه دستور حمله و اشغالشان را صادر کند؟، «دریستان» گ- ثابت- مقاله‌اش را با تحسین سینماگران ایران در حفظ امنیت ملی‌شان، بیش از هر ابزار سختی به پایان می‌برد. سیاست‌مداران شاید، ولی هنرمندان دنیافراموش نکرده‌اند که مهم‌ترین فیلمساز دهه ۹۰ به دلیل ایجاد راه جدید و مقابله با هالیوود باز هم یک سینماگر بزرگ ایرانی بود که تکرار نم‌ش در سرزمین مادری، به جهت فقدانش، همچون یک عاشق برپایمان دلنگنی می‌آورد. جمله معروف «هر گاه دیپلماتسی متوقف می‌شود، کیارستمی آغاز می‌شود» سفیر سابق ایران در فرانسه را به یاد داریم. این چراغ، یک‌شنبه پرافروخته‌شده نشده که همچون شمع‌ی در یاد از فروغش کاسته شود. کما اینکه در دوران سختی که امیدبولریم از این پس با قفل ماضی از آن یاد کنیم،مهم‌ترین دستاورد هنری و صنعتی جهان به سرزمین مادری آمد و فیلمساز ما در کمال ادب و احترام از صلح و ملت و سرزمینش گفت. به راستی اگر «مهم‌ترین داستان گوی جوان امروز جهان» شایسته این جایگاه نبود و ناشایسته‌ای به مدد لابی و چانه‌زنی‌های عشقیرای به جای او بر سکوی سینمای دنیا قرار می‌گرفت چه می‌کرد و چه می‌گفت؟ باید برای جلوگیری از تکرار مشکلات و معضالاتی که در این چهارسال با آن دست به گریبان بودیم و دردی فلک‌ها بر پیکره اهل فرهنگ و دلسوزان و روشنفکران و متدینان و قریب ۹۵مرد هنرمندان ایران نشناخته شد، دست‌ها را

بالا بزنیم و دست به کار «آموزش «چگونه‌دین» و «چگونه فکر کردن» و «چگونه حرف‌زدن» درباره آثار هنری و پدیده‌های فرهنگی بشویم، «تربیت و آموزش» چگونه مواجه‌شدن با پدیده‌های فرهنگی و اصولاً ایجاد فضای مناسب برای تبدیل حسادت به رقابت از طریق «آموزش» برای پیشگیری از افراطی‌گری و کاهش رفتار انتقام‌جویانه ما را به اتحاد ملی حول محور فرهنگ جمع خواهد کرد؛ دشمن را به منتقد ملی گفتگو تبدیل کنیم. تدبیر حکم می‌کند که از راه «آموزش مدارا و تدبیر» آنچه کنیم. این وظیفه نهن‌تها دولت که وظیفه فردفرد مردم ماست که از راه «آموزش مدارا» دشمنی را از مرزهای تنگ مقابل چشم‌ان‌مان دور کنیم و فرض انسان‌بودن و البته هم‌وطن‌بودن برپایمان معیاری برای دوست‌داشتن و احترام بدل شود. بی‌شک قربانی اختلافات داخلی و کینه‌جویی‌های شخصی، فرهنگ عمومی جامعه و آینده مردم است. مایه‌وارها به کار و فرهنگ‌های وارداتی و مصرف‌گرایی کاذب بالای جان مردم تمام دنیا شده و آنانکه در دین و آینده دارند به همان میزان باید نگران شان هنرمندانی باشند که بی‌هیچ‌سرافش و دستوری تمام جان و مال خود را روز و شب برای حفظ فرهنگ و هنر و آسایش و امنیت ملی‌شان تا لحظه مرگ وقف کرده‌اند. با آرزوی روزی‌های روشن آینده از پس سختی‌های پیشین.



علیرضا رییس‌دانیان مدیر انتشارات نگاه «محمد زهرایی» مدیر فرهیخته و دانشور نشر کارنامه دیروز یکشنبه، ۲۷مرداد در دفتر کار خود و حین عشق‌ورزی با کاغذ، قلم، مرکب و کتاب جان به جان‌ستان سپرد و دیدہ بر جهان فروست. زهرایی نمونه‌ای از یک ناشر دقیق، پروسوس و بسیار جدی بود که در سال‌های اخیر هر کتابی که از زیر نگاه خرده‌بین و دستان هنرمندش به‌در آمد، نمونه‌ای تمام‌عیار و بی‌نقص از یک کتابسازی حرفه‌ای بود. زهرایی از عاشقانی بود که به‌دلیل وسواس

کتاب‌ساز حرفه‌ای

بی‌حش مدت‌ها زمان صرف می‌شد تا کتابی را بپردازد و بالاخره به چاپش رساند. در انتخاب حروف، صفحه‌آرایی، رعایت فواصل، فصل‌بندی، پانوش‌ت و بی‌نوش‌ها نمونه‌ای سرآمد بود و هر کتابش می‌تواند همانند متنی درسی مورد بررسی قرار گیرد. آدمی سرشار از خواسته و آرزو بود! آرزوهایی که غایتش دستیابی به نشر کتاب‌های بهتر و مفیدتر بود. افسوس که دست اجل رشته عمر او را که چندان دراز هم نبود، برید و نشر ایران را از یک کارشناس نمونه و بصیر و خیره محروم کرد. شاید مرگ او نمونه‌ای دیگر از عشق‌ورزی یگانه به کتاب و نشر باشد، مرگ در کنار آنچه تمام عمر به آن عشق ورزیده‌ای حسرت برای ما ماندگان است که دوستی همراه و رفیقی کاربلد را از دست دادیم.



حسن کیابیان مدیر نشر چشمه

«محمد زهرایی» یکی از ناشران بسیار فعال و شناخته شده ایران بود که بیش از ۵۰سال در کار فروش و نشر کتاب فعالیت کرد. در گذشت ایشان برای جامعه نشر یک نقصان بزرگ خواهد بود. او یکی از ناشران بسیار موفق بود که با وسواس فراوان و دقت زیادی کار می‌کرد. همین وسواس و دقت هم باعث شده بود که در پرونده‌اش کتاب‌های خوب و پاکیزه‌ای را منتشر و وارد بازار کتاب کند؛ کتاب‌هایی که هم به لحاظ متن و هم ظاهر آثار

ناشر «خواب آشفته نفت» و «کتاب مستطاب آشپزی» در گذشت

وداع «زهرایی» با «کارنامه»



علی‌رضا ریسی

معرفی می‌کردند. «امیر حسین‌زادگان» مدیر نشر «قنقوس» که از زهرایی به‌عنوان یکی از بهترین همکارانش در حوزه نشر یاد کرده به «ایلنا» از این تسلط و دقت نظرش گفته است: «ایشان اسطوره‌ای فراموش نشدنی در عرصه نشر بودند. بسیار روی کارش تسلط و دقت‌نظر داشت و حساسیت‌های ایشان برای ما عجیب بود. من از زمانی که خدمت ایشان بودم، از راهنمایی‌ها و تجربیات ایشان بسیار بهره بردم و اموختم. زهرایی سبک ویژه نمونه‌خوانی و ویراستاری خودش را داشت. آن‌گونه که مدیر انتشارات قنقوس گفته است: «از تجربیات مهم این ناشر، و هر دو قطع به چاب‌های متعدد رسید. دقت نظر و وسواس در کیفیت چاپ شاید یکی از نکات اصلی کار زهرایی در کار چاپ بود. موضوعی که همه همکارانش به آن اشراف داشتند و از آن به عنوان یکی از ویژگی‌های این ناشر صاحب سبک

این کار را پیش از انتشار کتاب انجام می‌داد.» گزیده‌کردی و ارایه کارهای فاخر یکی دیگر از کارهایی بود که نشر کارنامه در طول فعالیتش با حضور زهرایی به آن مشهور بود. به طوری که تا تعداد کمی از پژوهشگران، نویسندگان و شاعران ایرانی کار می‌کرد. یکی از این شاعران شناخته شده، هوشنگ ابتهاج بود که چندین کتاب از جمله «تاسیان» را با همراهی نشر کارنامه منتشر کرد. اما یکی از کتاب‌های مهمی که سایه به همراه انتشارات کارنامه منتشر کرد؛ حافظ به سعی سایه بود؛ کتابی که گفته می‌شود یکی از معتبرترین تصحیح‌های دیوان حافظ در ۱۵۰ سال اخیر است. سایه کارهایی که علامه فروزنی و قاسم غنی و پرویز نائل خانلری روی دیوان حافظ را گسترش داد و با رجوع به ده‌ها نسخه معتبر دیگر این دیوان حافظ را منتشر کرد. این کتاب در نمایشگاه بین‌المللی کتاب در

«باب دیلن» نقاش در لندن

نیما توسلی: ۱۲مجموعه از پرت‌ر‌های نقاشی‌شده با مدارنگی از باب دیلن قرار است اواخر آگوست در گالری ملی پرت‌ره به‌نمایش گذاشته‌شود. عنوان این نمایشگاه، «باب دیلن: آرزش اسمنی» نام دارد و آخرین کارهای هنری این خواننده سرشناس آمریکایی را هم ارایه می‌کند. باب دیلن از اواخر دهه ۱۹۶۰ نقاشی می‌کند اما به نمایش گذاشتن آثار نقاشی شخصی خود را از حدود شش‌سال پیش آغاز کرده است. البته این اولین‌بار است که آثار این هنرمند ۷۲ساله در موزه‌ای در بریتانیا به نمایش گذاشته می‌شود. معمولاً در نمایش‌های پرت‌ره‌ها شخصیت‌های عمومی بریتانیا نمایش داده نمی‌شود، بلکه عمدتاً ترکیبی از شخصیت‌های واقعی و تخیلی هستند. تصاویری که از باب دیلن به نمایش درخواهد آمد، برگرفته از خاطرات تخیلی و شخصی او است. سندی ناپرن، مدیر گالری پرت‌ره ملی لندن، باب دیلن را یکی از اثرگذارترین چهره‌های فرهنگی معاصر می‌داند. او معتقد است که دنیای هنر باب دیلن، چه در موسیقی، نقاشی و پاستل (مدارنگی)، همواره به خلق دنیایی بصری جدیدی منجر شده است. او از حضور



تماشاخانه

هفت ترانه قدیمی رحمانیان در تالار شمس

شرق: با کامل شدن گروه بازیگری، محمد رحمانیان، نمایش «ترانه‌های قدیمی» را از ۱۲شهرپورماه در تالار شمس موسسه اکو روی صحنه می‌برد. علی عمرانی، مهتاب نصیرپور، حبیب رضایی، افشین هاشمی، علی سربای، اشکان خطیبی، بهاره مشیری و مصومه رحمانی بازیگران نمایش رحمانیان هستند که قرار است به مدت ۱۰روز در موسسه اکو اجرا شود. نمایش «ترانه‌های قدیمی» که پیش از این توسط گروه تئاتر ونک در ونکوور کانادا اجرا شده برگرفته است از تعدادی از قطعات کوتاه نمایشی درباره تهران و مردم این شهر است که به‌منوعی تئاتر موزیکال با بهره‌گیری از ترانه‌های قدیمی ایرانی محسوب می‌شود و پاساژهای نمایشی وصل‌کننده قطعات اثر به یکدیگر هستند. محمد رحمانیان، در چند سال گذشته در کانادا فعالیت‌های نمایشی قابل‌توجهی را انجام داده و چهار نمایش از جمله «شاپرک‌خالوم» بیژن مفید را با گروه تئاتر ونک به صحنه برده است. این گروه

هنر

نگه

ناشری با وسواس‌های حرفه‌ای

متنصر به فردی در جای خودشان بودند. زهرایی در زمینه آماده‌سازی کتاب هم خدمات زیادی به نشر ایران انجام داد. خدماتی که کارنامه انتشاراتی ایشان آن را نشان می‌دهد. آقای زهرایی جایگاه والایی در حوزه نشر کتاب داشت و با مهم‌ترین نویسندگان و شاعران ایران همکاری کرده بود و کتاب‌های قابل‌توجهی را منتشر کرد. تا جایی که می‌دانم ایشان کتاب‌هایی را زیر چاپ و در حال بررسی داشتند که این کتاب‌ها بعد از رفتن ایشان حتما منتشر می‌شود و به‌عنوان یادگاری از ایشان باقی خواهد ماند. نشر کارنامه مانند هر شرکت انتشاراتی دیگر و خیلی از صنوف با توجه به سالیان طولانی فعالیتش باید راه خود را ادامه دهد. این اتفاق حتما با تمهیداتی که خانواده آقای زهرایی می‌اندیشندمی‌افتد.

سال ۱۳۷۳ در سه قطع منتشر شد. قطع رقیعی، پالتویی و جیبی. دو قطع پالتویی و جیبی این کتاب در کمترین زمان تمام شد و به چاپ‌های متعددی رسید. اما حافظ به سعی سایه بعد از ۱۰سال هنوز محبوب‌ترین نسخه دیوان حافظ است. خواب آشفته نفت که اسنادی درباره ملی شدن صنعت نفت و کودتای ۲۸مرداد بود نیز در سال ۸۲وقتی منتشر شد یک اتفاق متفاوت در ۵۰سالگی کودتای ۲۸مرداد بود. این کتاب که بخش‌هایی از خاطرات و اسناد دکتر محمدعلی موحد بود در سه جلد به اضافه دو کتاب ضمیمه در دوقطع منتشر شد و هنوز هم جزو کتاب‌های پرفروش است. قیله عالم نوشته حسین امانت با ترجمه حسن کامشاد یکی دیگر از کتاب‌های تحقیقاتی در حوزه تاریخ معاصر بود که ناصرالدین شاه قاجار را به نگاهی متفاوت از قرالت رسمی که در دوران قاجار و پهلوی داشت؛ تجزیه و تحلیل کرده بود. اما انتشار کتاب مستطاب آشپزی متفاوت‌ترین کتاب آشپزی ایران بود که حاصل ۵۰سال تحقیق نجف دریابندری و فهمیده راستکار بود که فراتر از یک کتاب آشپزی غذاشناسی ایرانی است. به دنبال انتشار خبر در گذشت زهرایی، علی جنتی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی که روز شنبه برای نخستین‌بار به صندلی وزارت تکیه زده است؛ با انتشار پیامی ایامی از ضایعه را تسلیت گفت. در پیام جنتی آمده است: «مرگ پایان زندگی نیست، بلکه آغازی است برای پرواز مرغ جان تا آستان ملکوت و رجعتی شادمانه به محضر حضرت دوست»؛ به ویژه مرگ آنان که در زندگی گام‌های بلند برداشته‌اند و خلق را از علم و عمل خویش به‌رممند ساخته‌اند. زنده‌یاد «محمد زهرایی» از تبار فرهیختگانی بود که گوهر ارقدر عمر را تنها در راه تعالی فرهنگ این مرز و بوم مصروف ساخت. اهتمام ۵۰ساله این اندیشمند متعهد به نشر آثار ارزنده ادبی و هنری در خاطره همه فرهنگ‌دوستان ثبت و ضبط است و از این پس جای این بزرگمرد در میان ناشران خلاق و خدوم کشورمان همواره خالی خواهد بود».

شب طلایی «پیاتزا گراندۀ» برای اسپانیایی

رسید. «هانگ سانگ‌سو»، کارگردان ۲۵ساله اهل کره‌جنوبی توانست با فیلم «our sunhi» جایزه یوزپلنگ طلایی بهترین کارگردانی را از آن خود کند تا در اولین حضورش در جشنواره لوکارنو به یک جایزه بال‌رزش دست یابد. فرناندو باسیلیو نیز عنوان بهترین بازیگر مرد را برای فیلم «جهان» به کارگردانی دانیل دیگو وگا از میکزیک دریافت کرد. فیلم اسپانیایی «داستان مرگ من» موفق به کسب یوزپلنگ طلایی بهترین فیلم از جشنواره لوکارنو شد. جایزه بهترین فیلم از نگاه مخاطبان شصت‌وششمین جشنواره فیلم لوکارنو به درام «گابریله» ساخته کارگردان کانادایی «لوییس آر‌کمبلات» رسید که در میدان بزرگ و مشهور «پیاتزا» روی پرده رفته بود. شصت‌وششمین دوره جشنواره فیلم «لوکارنو» اسال از هفتم آگوست به ریاست «کارلو چاترین» برگزار شد. جشنواره فیلم لوکارنو چهارمین جشنواره بین‌المللی فیلم بعد از جشنواره‌های کن، ونز و برلین است که از سال ۱۹۴۶ هرساله در شهر لوکارنو‌سوئیس برگزار می‌شود. ویژگی خاص این جشنواره، نمایش فیلم‌ها در میدان معروف پیاتزا گراندۀ در فضای باز و بر پرده بزرگ است.



«آلفرد یعقوب‌زاده» عکاس آژانس عکس «اسپیا» قرار است سپتامبر امسال (شهریور) در فستیوال «ویزا پورلیماز» که در شهر «پخینون» فرانسه برپا می‌شود شرکت کند؛ فستیوالی که از آن به‌عنوان مهم‌ترین فستیوال عکس یاد می‌شود. او در این فستیوال عکس‌هایی درباره آیین «کومب ملا» را به نمایش می‌گذارد. کومب ملا آیین بزرگی است که طی آن هندوها در رودخانه‌های گنگ و جمنا در الله‌آباد آب‌تنی می‌کنند. آنها اعتقاد دارند آب این رودخانه‌های مقدس برایشان پاک‌ی و رستگاری می‌آورد. یعقوب‌زاده گفت: «من نزدیک به چهار هفته در این محل بودم و حالا قرار است ماحصل این سفر در قالب گزارشی تصویری در این فستیوال ارایه شود.» عکس‌های مربوط به این سفر در مجله Smithsonian منتشر شده است.

کارنامه

سرشار از ایده‌های نو



اردشیر رستمی طراح

● زنده‌یاد محمد زهرایی، الگوی ارزشمند در عرصه‌های گوناگون برای من بود. کارشناسی فرهنگی، هنری، خلاق، خستگی‌ناپذیر، امیدوار و سرشار از ایده‌های نو که زیستی خاص داشتند؛ از لباس‌هایش بگریید تا غذاخوردنش، محل کارشان و مراوداتشان که با مهربانی و طنازی خاص خودشان آمیخته می‌شد و ایشان را صدچندان زیباتر می‌کرد. فردی تأثیرگذار در صنعت و مدیریت نشر و همچنین فرهنگ و هنر که در ارتقای استاندارد زیست فرهنگی نقش مهمی را ایفا کرده است. هزینه کردن برای کتاب و تغییر ذائقه مخاطب از کارهای اصلی‌شان بود. همراه کاربلد و شریک زندگی‌شان، سرکار خلم مهدیه مستغنی با همراهی و مدیریتی که نسبت به عملیاتی کردن اندیشه‌های او داشت، توانستند خانواده‌ای بزرگ و ارزشمند به جامعه فرهنگی ایران و جهان معرفی کنند، فرزندان متخصص در رشته‌های مختلف نشر و هنر، خانواده‌ای که از سال‌های دور از کوچگاهی دور مشهد با مشقت‌های فراوان رویاهایشان را دنبال کردند و پس از سختی‌های بسیار و ازدست‌دادن‌های فراوان دوباره خود و فرهنگ را بالا کشیدند و افق‌های جدیدی در این عرصه ترسیم کردند. درگذشت مرد یگانه فرهنگ و هنر را به خانواده محترم و دوستان عزیزشان و همچنین جامعه نشر تسلیت عرض می‌کنم. امیدوارم تدبیری اندیشیده شود تا بنیادی با نام او اهداف بلشمدت و زیبایی او را دنبال کند و سالانه جایزه‌ای را برای ارتقای سطح کیفی نشر هدیه کند.

زیر آسمان فیروززایی

نکوداشت خسرو سینیایی در خانه هنرمندان

● شرق: مراسم نکوداشت خسرو سینیایی با عنوان «خسرو سینیایی؛ شاعر و فیلمساز» با نمایش دو فیلم مستند از حمید فرخ‌زاد و روانک جعفری درباره این کارگردان برگزار می‌شود. این برنامه همزمان با رونمایی مجموعه لوح‌های قشدره، گزیده‌ای از آثار سینیایی است که بخشی از آن به انتشار مجموعه تازه‌ای از شعرهای سینیایی با نام «ترانه شایرک‌های سفید» اختصاص دارد. این مراسم پنجشنبه، ۳۱مرداد از ساعت ۱۸ در تالار استاد شهنواز، خانه‌هنرمندان ایران برپا می‌شود.

دیدار وزیر فرهنگ با هنرمندان

● شرق: وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با اهالی فرهنگ و هنر، فرهیختگان، نویسندگان و اصحاب فکر و اندیشه کشورمان ۳۱مرداد دیدار می‌کند. این مراسم از سوی مرکز روابط عمومی و اطلاع‌رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی روز پنجشنبه ۳۱مردادماه سال‌جاری ساعت ۱۷:۳۰ در تالار وحدت برگزار می‌شود.

بازیگرانی که «گذشته» را دوبله می‌کنند

● شرق: فیلم «گذشته»، اصغر فرهادی در حال حاضر با زیرنویس فارسی در سینماهای تهران و برخی از شهرستان‌ها در حال اکران است و با آنکه به فروش میلیاردی دست پیدا کرده اما پیش‌بینی می‌شود با دوبله آن مورد استقبال بیشتری به‌خصوص در شهرستان‌ها قرار گیرد. به گزارش ایسنا، دوبله فیلم «گذشته» در استودیو موسسه فرهنگی، هنری «رها و فیلم» و توسط مانی هاشمسف در حال انجام است و پس از پایان دوبله توسط ایرج شهزادی صداگذاری خواهد شد. علی مصفا در نقش (احمد)، ساره بیات (ماری) با بازی برنیس بزوی، علی سربای (سمیر با بازی طاهر رحیم) سحر دولتشاهی (لوسی) با بازی پائولین بولرت، آزاده صمدی (نعیم‌ا با بازی سابرینا وازانی)، بابک کریمی در نقش شه‌ریار و بازیگران خردسال نیکی نصیریان (لنا)، دانیال آبدارباشی در نقش (فواد)، مانی حقیقی و برخی دیگر از اهالی سینما دیگر نقش‌های کوتاه فیلم را دوبله می‌کنند.

توضیح

● روز ۲۲مرداد گزارشی با عنوان «بنام گل‌سرخ» روایت هنرمندانه از کودتا منتشر شد که عکسی از آقای «احمد عالی» به‌اشتباه با نام زنده‌یاد «بهمن جلالی» بانویس شده بود. ضمن تصحیح این مطلب، از استاد «احمد عالی» و خانواده مرحوم «جلالی» پوزش می‌خواهیم.

سرخط

مهر: شبکه سی‌بی‌اس قصد دارد سریالی درام درباره شخصیت یک وزیر امور خارجه زن با حضور **مورگان فریمن** و **باربارا هال بسازد.**
شرق: **خالد حسینی،** نویسنده **افغان – آمریکایی** قرار است در ماه **اکتبر** برای **شرکت در جشن انستیتو بلومزبری و حضور در یک جلسه پرسش و پاسخ** به **بریتانیا** سفر کند.